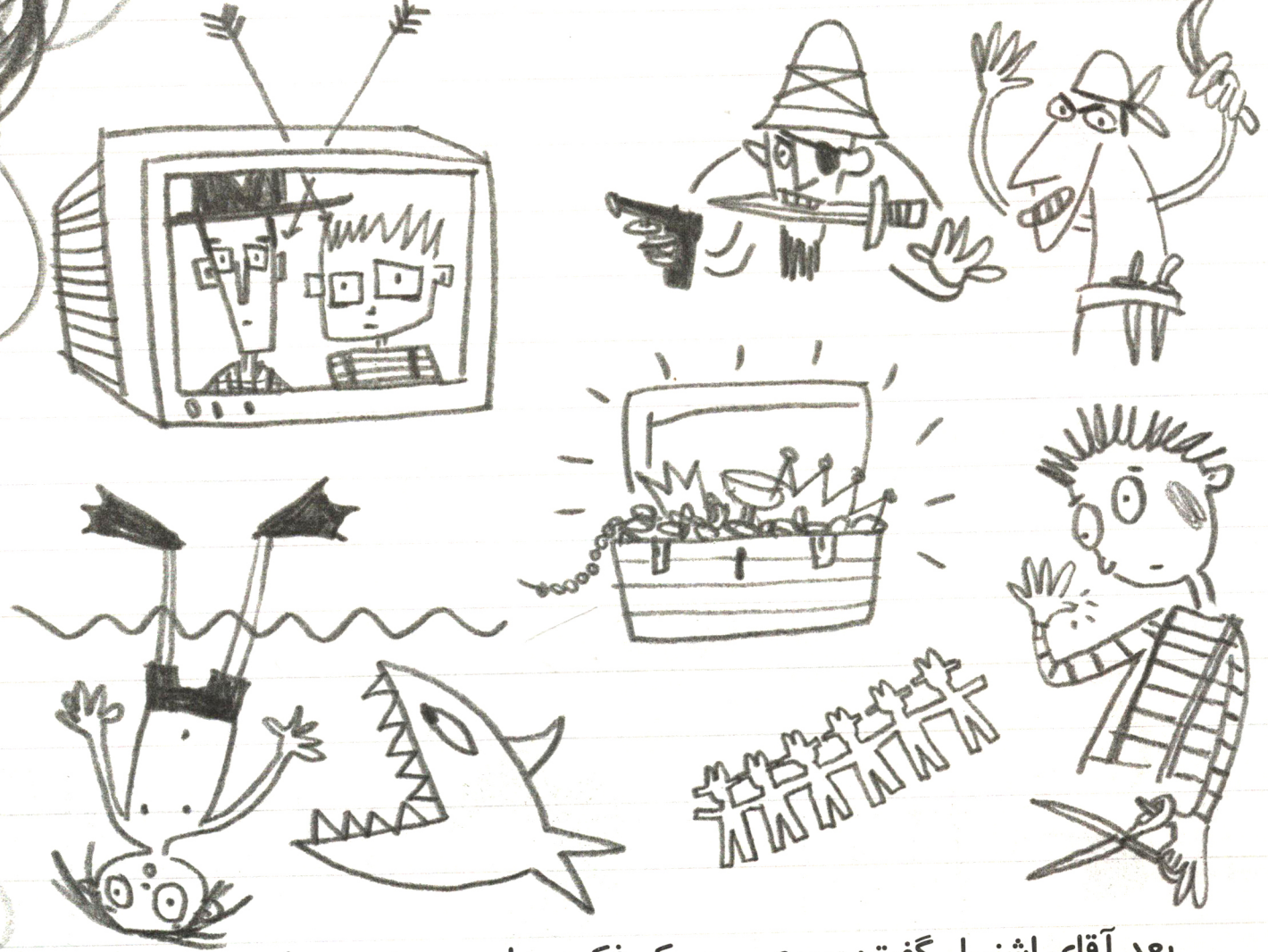




# مراقبم باشی!

نویسنده: لورنز پائولی تصویرگر: میریام زدلیوس مترجم: نگین کتال



بعد آقای اشنیپل گفت: «یوری، من یک فکری دارم: سرخ پوست!  
می خواهی برای یک تیر و کمان درست کنم؟»  
یوری سرش را تکان داد و گفت: «نه، چون خیلی خطرناک است.»  
«آتش روشن کنیم؟»

«آتش دود دارد و دود برای سلامتی ضرر دارد.»

«دنبال گنج برویم؟»

«عاقلا نه نیست؛ چون وقتی ما طلاهای زیادی پیدا کنیم، دزدهای زیادی هم  
می آیند که گنجها را از ما بدزدند.»

«استخر برویم؟»

«ممکن است غرق بشوم.»

«تلویزیون ببینیم؟»

«مامان می گوید اگر آدم تلویزیون ببیند، عینکی می شود.»

«قیچی بازی کنیم؟»

یوری به فکر فرورفت: «قیچی بازی...!»

«خب، در نتیجه ما فقط می توانیم در پارک دراز بکشیم و هیچ کاری نکنیم.»

«این هم نمی شود؛ چون زیر آفتاب می سوزیم.»